



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زانی و زانیه از همدیگر حرام است؟ صاحب جواهر بحث را به نسب برده و فرموده اگر قرار باشد زنا نسب را از بین ببرد خب تنها ارث نیست نکاح هم هست یعنی اگر زنا نسب را از بین ببرد پس آن مردی که با زنی زنا کرده و دختری بوجود آمده باید بتواند با آن دختر ازدواج کند.

آیاتی در سوره نساء هستند که می فرمایند: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾^۱ همگی مربوط به محرمات از نظر نسب می باشند، حالا اگر زنا صورت گرفت و فرزندی بوجود آمد کلا نسب وجود ندارد و مشمول این آیات نیست یا اینکه فقط ارث بین آنها نیست؟ اگر کلاً در زنا نسب نباشد خروج زنا از آیات می شود تخصص زیرا در آیات توارث در مورد نسب بیان شده ولی اگر بگوئیم نسب هست ولی شارع به عنوان حکومت می خواهد بگوید نسب نیست در این صورت باید ببینیم در چه موردی گفته است مثلاً در ربا گفته "لا ربا بین الوالد و ولده"، خلاصه باید ببینیم این تخصیص است یا تخصص یا حکومت یا ورود.

صاحب جواهر در جلد ۲۹ جواهر ۴۳ جلدی در کتاب النکاح این بحث تاریخی، قرآنی، فقهی، روایی را مفصلاً مطرح کرده و به فرزندان آدم و گسترش نسل آنها رسانده چراکه تزویج خود آدم و حواء مشخص است ولی تزویج فرزندان آنها که با هم خواهر و برادر بوده اند مشخص نیست، اگر بگوئیم باهم ازدواج کردند که می شود تزویج خواهر و برادر، خلاصه صاحب جواهر به شدت می گوید چنین تزویجی درست نیست و قبیح شدید ذاتی دارد، ما دو جور قبیح داریم؛ یک قبیح ذاتی داریم و یک قبیح بالجوهه والاعتبار، ظلم ذاتاً قبیح است یعنی علت تامه است برای قبیح و نمی شود که ظلم باشد ولی قبیح نباشد یا

بچثمان در تولد از راه زنا به عنوان یکی از موانع ارث بود، چند فرع از امام رضوان الله علیه می خوانیم تا مطلب روشن شود، اولین مطلبی که ایشان مطرح می کند این است که: «مسألة ۱: إن كان الزنا من الأبوين، لا يكون التوارث بين الطفل وبينهما ولا بينه وبين المنتسبين إليهما (أبوين)، وإن كان من أحدهما دون الآخر، كما كان الفعل من أحدهما شبهة، لا يكون التوارث بين الطفل والزاني ولا بينه وبين المنتسبين إليه.»^۱

فرع دوم: «مسألة ۳: المتولد من الشبهة كالتولد من الحلال يكون التوارث بينه وبين أقاربه أبا كان أو أما أو غيرهما من الطبقات والدرجات.»^۲

فرع سوم: «مسألة ۴: لا يمنع من التوارث التولد من الوطء الحرام غير الزنا كالوطء حال الحيض وفي شهر رمضان ونحوهما.»^۳

فرع چهارم: «مسألة ۵: نکاح سائر المذاهب والمثلل لا يمنع من التوارث لو كان موافقا لمذهبهم وإن كان مخالفا لشرع الاسلام حتى لو كان التولد من نکاح بعض المحارم لو فرض جوازه في بعض النحل.»^۴

ما یک قاعده ای داریم که می گوید: "الزموهم علی معتقدهم" یعنی اگر عامه طبق قواعد و احکام و فقه خودشان کاری را انجام دادند ما آن را صحیح و موثر می دانیم البته در نکاح و طلاق و ارث اختلاف نظرهای زیادی داریم.

یک بحث مهمی که در اینجا وجود دارد این است که در آیات ارث که در سوره نساء می باشند ارث را مترتب بر نسب کرده حالا باید ببینیم آیا زنا به طور کلی نسب را قطع می کند یا اینکه نسب سر جایش هست ولی ارث بردن متولد از زنا و

^۱ تحریر الوسیلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۳۶۹.

^۲ تحریر الوسیلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۳۶۹.

^۳ تحریر الوسیلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۳۷۰.

^۴ تحریر الوسیلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۳۷۰.

^۵ سوره نساء، آیه ۲۳.

عدل ذاتاً حسن است و نمی شود عدل باشد ولی حسن نباشد، ولی صدق و کذب اینطور نیستند یعنی صدق حسن است ولی گاهی نباید راست گفت یا دروغ قبیح است ولی گاهی واجب است انسان دروغ بگوید، بنابراین حسن و قبح نسبت به بعضی چیزها علت تامه هستند و تغیر پذیر نیستند مثل ظلم و عدل، اما همین حسن و قبح نسبت به بعضی چیزها بالوجوه والإعتبار هستند و تغیر پذیرند مثل صدق و کذب، حالا صاحب جواهر در مانحن فیه می فرماید اینکه مرد با همان دختری که از زنا بوجود آورده ازدواج کند یا زن با پسری که از راه زنا از خودش بوجود آمده ازدواج کند قبیح ذاتی دارد و نمی تواند ازدواج کنند و اخباری نیز در این رابطه نقل می کند که دال بر حرمت هستند.

آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در تفسیر المیزان در اول سوره نساء که گفته شده: ﴿وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾^۱ می فرماید اینها همه از آدم بوجود آمده اند و این همان ازدواج خواهر و برادر می باشد و اشکالی هم ندارد و اگر قبحی هم داشته باشد بالوجوه والإعتبار است نه ذاتی.

برخی دیگر نیز قائلند همان طور که خداوند برای حضرت آدم حواء را خلق کرد برای دختران و پسران آنها نیز حوری و غلمان خلق کرد و با آنها ازدواج کردند و از این طریق نسل ها بوجود آمد و آقای خوئی نیز در شرح نهج البلاغه همین را اختیار کرده. در کتب تاریخی مثل "مروج الذهب" و "روضه الصفاء" گفته شده که به همان صورت که خواهر برادر با هم ازدواج کردند نسل ادامه پیدا کرده.

صاحب می فرماید به اندازه ای ازدواج خواهر و برادر قبیح است که حیوانات هم این کار را فطرتاً نمی کنند و حتی ایشان مثال می زند که یک گوسفند نر در حالی که نمی دانست با مادرش نزدیکی کرد و بعد که متوجه شد آلت ذکوریت خودش را با دندانش کند و بعد مرد.

اکثر مفسرین عامه این بحث را به داستان کشته شدن هایبیل توسط قابیل کشانده اند به این بیان که حواء در هر شکم فرزندان دوقولو یک پسر و یک دختر به دنیا می آورده و همزاد

هایبیل یک دختر بسیار زیبا ولی همزاد قابیل خیلی زشت بوده، همزاد هایبیل را به قابیل و همزاد قابیل را به هایبیل تزویج می کنند و این مسئله باعث ایجاد اختلاف بین هایبیل و قابیل شد و باعث شد تا قابیل هایبیل را بکشد، بخلاف مفسرین ما که این مطلب را قبول نمی کنند خلاصه ما الان در برابر یک بحث مفصل تاریخی، قرانی، روائی و فقهی هستیم که از کلام صاحب جواهر شروع می کنیم.

صاحب جواهر در کتاب نکاح این بحث را مطرح کرده و اینطور فرموده: «ولکن هل یحرم علی الزانی لو کان بنتاً؟ والزانیة لو کان ولداً؟ الوجه أنه یحرم ، لأنه مخلوق من مائه ومائها فلا ینکح الإنسان بعضه بعضاً ، كما ورد في بعض النصوص النافية لخلق حواء من آدم... إلى قوله الشريف: بل یظهر من النصوص أن التحريم ذاتي لا مدخلية للنسب الشرعي فيه ، قال زرارة في المروي عنه في محكي العلل : "سئل أبو عبد الله عليه السلام عن بدو النسل من ذرية آدم عليه السلام فان عندنا أناسا یزعمون أن الله أمر آدم عليه السلام أن یزوج بناته من بنیه وأن أصل هذا الخلق من الإخوة والأخوات ، قال أبو عبد الله عليه السلام : سبحان الله وتعالی عن ذلك علواً کبیراً عما یقولون ، من یقول هذا؟ إن الله عز وجل جعل أصل صفوة خلقه وأحبائه وأنبیائه ورسله والمؤمنین والمؤمنات من حرام ، ولم یکن له من القدرة ما یخلقهم من الحلال؟ وقد أخذ میثاقهم علی الحلال والطهر الطاهر الطیب ، والله لقد نبئت أن بعض البهائم تنکرت له أخته ، فلما نزا علیها ونزل کشف له عنها وعلم أنها أخته أخرج غرموله (آلت ذکوریت) ثم قبض علیها بأسنانه ثم قلعه ثم خر میتاً"»^۲.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطاهِرین

^۱ جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۲۹، ص ۲۵۷.

^۲ سوره نساء، آیه ۱.